



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: حیل شرعی تخلص از ربا/القول فی الربا

بِحثمان درباره ربا و راههای تخلص از ربا بود، عرض کردیم که فقهاء ما خلفاً عن سلفِ بابی را در مورد حیل شرعی تخلص از ربا منعقد کرده اند و گفتیم تنها مقدس اردبیلی و امام رضوان الله علیه راههای تخلص از ربا را قبول ندارند.

امام رضوان الله علیه در کتاب البیع دلیل انکار راههای تخلص از ربا را ذکر کرده و اینطور فرموده که دلیل و مدرک قائلین به تخلص از ربا روایات است درحالی که اخبار چنین دلالتی ندارند و این روایات در وسائل الشیعة و در باب ۶ از ابواب صرف ذکر شده اند.

علامه در تذکرة الفقهاء در مورد ربا و اقسام آن اینطور فرموده: «مسألة ۷۳: وقد أجمع المسلمون على ثبوت الربا في الأشياء الستة، لقول النبي: صلى الله عليه وآله: "الذهب بالذهب مثلاً بمثل، والفضة بالفضة مثلاً بمثل، والتمر بالتمر مثلاً بمثل، والبر بالبر مثلاً بمثل، والملح بالملح مثلاً بمثل، والشعير بالشعير مثلاً بمثل، فمن زاد أو ازداد فقد أربى، يبعوا الذهب بالفضة كيف شئتم يدا بيد، وبيعوا البر بالتمر كيف شئتم يدا بيد، وبيعوا الشعير بالتمر كيف شئتم يدا بيد".»^۱

خب و اما چند خبر از اخباری که امام رضوان الله علیه در کلامشان به آنها اشاره کردند و قائلین به حیل شرعی تخلص از ربا به آنها استناد کرده اند را می خوانیم:

خبر اول: ﴿محمد بن يعقوب﴾ (کلینی از طبقه ۹ است) عن محمد بن يحيى (ابوجعفر عطار قمی که از طبقه ۸ و از اساتید کلینی و ثقه می باشد)، عن محمد بن الحسين (أبى الخطاب عظیم القدر کثیرالروایة ثقة عین حسن التصانیف مسکون الی روایتہ)، عن صفوان (بن یحیی بیاع السابری أوثق اهل زمانه و أعبدہم و هر شبانه روز ۱۵۰ رکعت نماز می خواند و در هر سالی سه ماه رجب و شعبان و رمضان را روزه می گرفت و هر سال سه دفعه زکات مالش را پرداخت می کرد و از حضرت رضا و امام جواد علیهما السلام روایت نقل کرده و از ۴۰ نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام نیز روایت نقل کرده و کتب زیادی دارد)، عن عبد الرحمن بن الحجاج (البجلی که بسیار جلیل القدر است، بیاع السابری بوده، اول کسسانی مذهب بوده ولی بعداً برگشته و کان ثقة ثبتاً وجهاً وکیلاً بأبى عبدالله علیه السلام و از طبقه ۵ می باشد) قال: سألته عن الصرف فقلت له: الرفقة (جمع رفیق) ربما عجلت فخرجت، فلم نقدر على الدمشقية والبصرية، وإنما يجوز نيسابور الدمشقية والبصرية فقال: وما الرفقة؟ فقلت: اليوم يترافقون ويجتمعون للخروج، فإذا عجلوا فریما لم يقدرُوا على الدمشقية والبصرية، فبعثنا بالغلة (درهم ناخالص و مخشوش) فصرفوا ألفاً وخمسين منها بألف من الدمشقية والبصرية، فقال: لا خير في هذا فلا يجعلون فيها ذهباً لمكان زيادتها فقلت له: أشتري ألف درهم وديناراً بألفي درهم، فقال: لا بأس بذلك إن أبي كان أجراً على أهل المدينة مني، فكان يقول: هذا، فيقولون: إنما هذا الفرار، لو جاء رجل بدینار لم يعط ألف درهم ولو جاء بألف درهم لم يعط ألف دينار وكان يقول لهم: نعم الشيء الفرار من

^۱ تذکرة الفقهاء، علامه حلی، ج ۱۰، ص ۱۳۵، ط آل البيت.

الحرام إلى الحلال. ورواه الصدوق باسناده، عن صفوان بن يحيى نحوه.

وعن علي بن إبراهيم، عن أبيه، وعن محمد بن إسماعيل، عن الفضل بن شاذان عن صفوان بن يحيى، وابن أبي عمير، عن عبد الرحمن بن الحجاج مثله.

ورواه الشيخ باسناده عن الحسين بن سعيد، عن صفوان مثله. ^۲

خبر در اعلى درجه صحت قرار دارد و دلالت دارد بر اینکه ضم ضمیمه هرچه که باشد یکی از راههای تخلص از ربا می باشد.

توضیح و بررسی و جواب از این خبر بماند برای فردا إن شاء الله تعالى... .

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۴۶۶، ابواب صرف، باب ۶، حدیث ۱، ط الاسلامیة.